

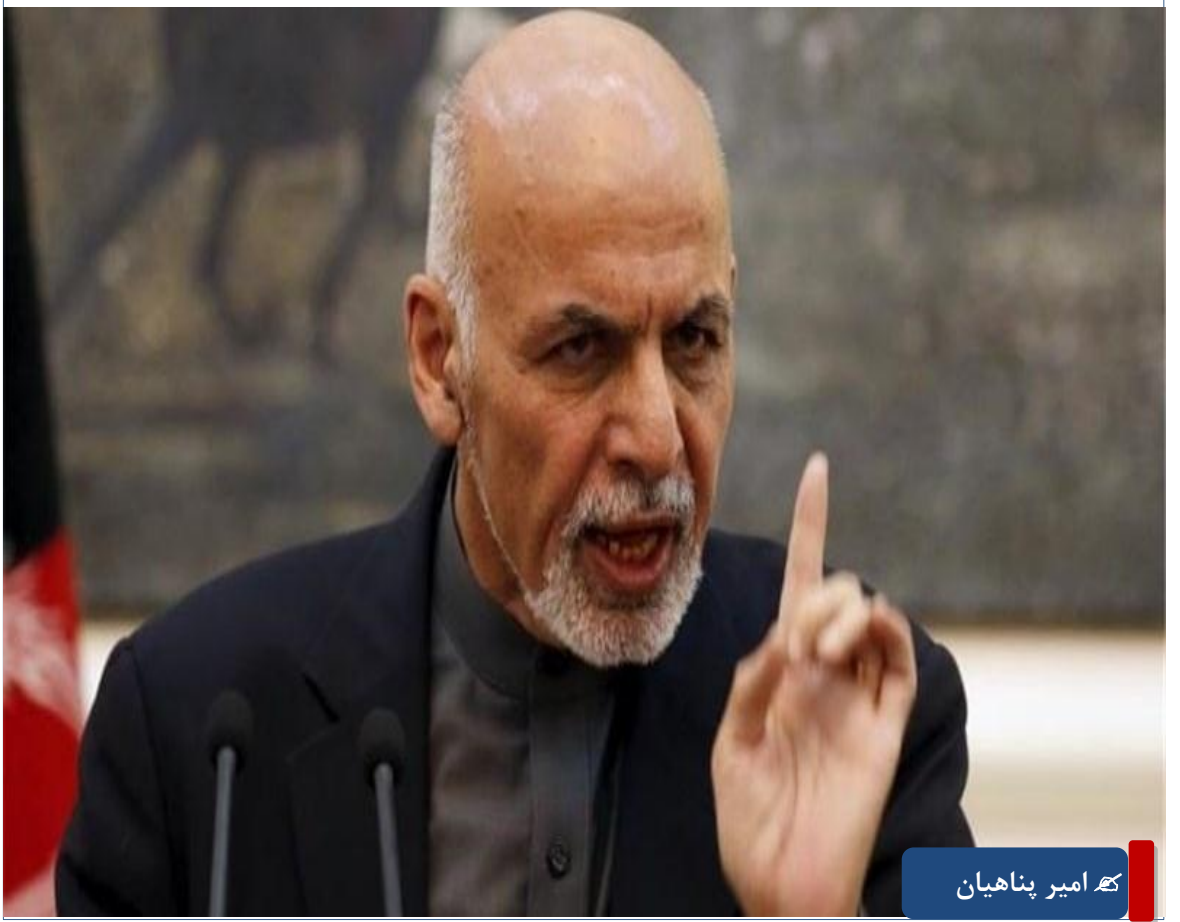
کاخ سفید: دستور ترامپ برای دعوت پوتین به واشینگتن

کاخ سفید می‌گوید رئیس‌جمهور آمریکا به مقامات این کشور گفته است تا رئیس‌جمهور روسیه را به ایالات متحده دعوت کنند. سارا سندرز، سخنگوی کاخ سفید پنجشنبه ۲۸ سرطان، در صفحه توئیتر خود نوشت که دونالد ترامپ از جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید خواسته است تا ولادیمیر پوتین را برای پاییز به واشینگتن دعوت کند و افزود که گفت‌وگوها در این خصوص در جریان است. خانم سندرز تأکید کرد که در جریان دیدار ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ در هلسینکی فنلاند، رئیس‌جمهور آمریکا با تدویم مذاکرات کاری با روسیه موافقت کرد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، نیز روز پنجشنبه در توئیتری نشست هلسینکی را «موفقیت بزرگی» دانست و تأکید کرد که مشتاق دیدار بعدی خود با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه است تا مباحث مطرح شده در هلسینکی را پیگیری کند. در جریان دیدار در هلسینکی، به گفته آقای ترامپ، طرفین درباره مواردی چون توقف تروریسم، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و حملات سایبری با یکدیگر گفت‌وگو کردند. همچنین در این دیدار ولادیمیر پوتین پیشنهاد داد که در خصوص پرونده اتهام دخالت روسیه در انتخابات آمریکا، بازرسان آمریکایی به مسکو بروند و در تحقیقاتی از متهمان این پرونده حضور داشته باشند. مسکو هم چنین خواهان بازجویی از مایکل مک‌فال، سفیر سابق آمریکا در روسیه در ارتباط با یک پرونده قضایی در روسیه شده بود.

سال پنجم، یکشنبه، ۳۱ سرطان، ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۲۲ جولای ۲۰۱۸ شماره ۱۸۹

ادعاهای ملانصرالدینی یک رئیس‌جمهور



آقای غنی اما جذب حلقه قدرت شدند

تغییرات اخیر در ادارات ملی نشان می‌دهد، که رئیس‌جمهور غنی بیش‌تر از هر زمان دیگر روند متمرکزسازی قدرت را در میز ریاست‌جمهوری جدی گرفته است. او حلقه‌ای از نزدیک‌ترین افراد به خودش را ایجاد کرده و در کلیدی‌ترین وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی جابه‌جاء نموده، تا از این طریق تمام دستگاه حکومتی را از روی میزش اداره نماید. با وصف آن‌که در مدت‌زمان سه‌و نیم سال حاکمیت حکومت وحدت ملی بسیاری از افراد از کابینه‌ی دولت رانده شد و به اتهام‌های مختلف از قدرت خلع و در مواردی به دادستانی معرفی گردید، نزدیکان آقای غنی اما جذب حلقه قدرت شدند

۱۲ افسر پولیس در حمله طالبان در غزنی کشته شدند

مقامات امنیتی دی‌روز (شنبه) خبر داده‌اند که حداقل ۱۲ نیروی پولیس در حمله طالبان به پوسته‌های امنیتی در ولایت غزنی کشته شدند. عصمت جمردوال، یک عضو شورای ولایتی غزنی گفته است که در نتیجه درگیری شش ساعته نیروهای امنیتی و شورشیان طالبان، حداقل ۲۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. محمد رحیم، یک عضو دیگر شورای ولایتی نیز گفته است که شورشیان طالبان کوشش کردند تا مرکز ولسوالی "قره باغ" را به کنترل خود درآورند، اما نتوانستند. این در حالی است که شورشیان حملات هماهنگ خود را بر بخش‌های از ولایت غزنی در هفته‌های اخیر افزایش داده‌اند. عارف رحمانی، نماینده پارلمان افغانستان اخیراً در یک پیام فیسبوکی گفته است که طی دو ماه گذشته، بیش از ۶۰۰ پرسونل امنیتی در ولایت غزنی کشته شدند. در همین حال، به گفته مقام‌های امنیتی، جنگ‌جویان این گروه شورشی روز جمعه حداقل ۱۲ پولیس محلی را ولایت کندز به قتل رساندند. بخش‌های زیادی از دو ولایت غزنی و کندز، سال‌هاست که تحت کنترل طالبان می‌باشد.

مذاکرات صلح تا «بین‌الافغانی» نباشد نتیجه‌بخش نیست

محمد اکرم خپلوک رییس دبیرخانه شورای عالی صلح، دی‌روز شنبه (۳۰ سرطان) طی نشست خبری در کابل در واکنش به آغاز مذاکرات بین طالبان و آمریکا می‌گوید: تا زمانی که مذاکرات صلح بین‌الافغانی نباشد، مذاکرات با دیگران نتیجه ندهد و صلح تأمین نخواهد شد. محمد اکرم خپلوک رییس دبیرخانه شورای عالی صلح گفت: طالبان باید با افغان‌ها وارد مذاکره شوند، انجام مذاکره با دیگران نتیجه‌بخش نخواهد بود. شبکه خبری «ان بی سی» آمریکا به نقل از منابع در گروه طالبان گزارش داده که این ملاقات‌ها در افغانستان، قطر و امارات متحده عربی انجام شده است. یک مذاکره‌کننده گروه طالبان به این شبکه خبری گفته که نمایندگان این گروه تاکنون چند بار با مقام‌های آمریکایی در یک هتل در دوحه، پایتخت قطر ملاقات کرده‌اند. خپلوک گفت: ما حاضر هستیم که در هر گوشه از جهان که طالبان خواسته باشد، دفتر ایجاد کنند ما با آن‌ها وارد مذاکره می‌شویم. او افزود: شورای عالی صلح در نظر دارد که هیئتی را به دوحه روان کند تا با طالبان گفت‌وگو کند. وی بیان داشت، طالبان آنچه را که می‌خواهد، از طریق جنگ به دست آورده نمی‌توانند باید به میزگفت‌وگو نشسته و به خواست‌های شان دست یابند. مولوی قیام‌الدین کشف رییس شورای سراسری علمای افغانستان گفت: ادامه جنگ در افغانستان مشروعیت دینی و اسلامی ندارد و باید طالبان به قطع‌نامه علمای جهان اسلام لیبیک گفته و دست از جنگ و خشونت بردارند.

جایگاه احزاب سیاسی در بستر حقوقی افغانستان

محمد نسیم نظری



چندی قبل تعدادی از احزاب سرشناس سیاسی، طی نشستی در کابل اعلام نمودند؛ اگر حکومت به طرح احزاب سیاسی در مورد انتخابات پیش رو تن ندهد، این احزاب در هماهنگی با مردم، انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی را که قرار است در ۲۸ میزبان سال روان برگزار شود، تحریم نموده و از هواداران شان می‌خواهند در این روند ملی شرکت نکنند. این احزاب چندی پیش نیز در نشست‌های مختلف تأکید بر عملی شدن استفاده از رأی واحد قابل انتقال در انتخابات پیش رو نمودند. احزاب سیاسی طرح‌شان را با این منطق که هرگاه حکومت بخواهد، مشارکت همگانی را در سطوح مختلف نهادهای اجتماعی و مردمی تأمین نماید، باید به احزاب سیاسی به عنوان کانال‌های مهم ارتباطی، سهم بیش‌تری را در نظر بگیرد، مطرح ساختند. اما آن طرف این ماجرا، دستگاه حکومت افغانستان و مشخصاً ارگ ریاست‌جمهوری به عنوان نهاد مستقل اعمال‌کننده سیاست‌های کلان ملی، با غیرعملی دانستن این طرح در شرایط کنونی کشور، احزاب سیاسی را به سرخوردگی سیاسی و برخورد غیرواقعی‌بینانه با قضایای ملی متهم می‌کند. به دنبال نشست مشورتی احزاب سیاسی، رئیس‌جمهور بعد از بازگشت از نشست بروکسبیل به کابل، طی یک کنفرانس مطبوعاتی، ضمن بیان دستاوردهای نشست بروکسبیل، به احزاب سیاسی نیز انگشت انتقاد بالا نمود.

افغانستان طرح آتش‌بس جدید را در پیشنهاد به راه انداختن صلح آغاز می‌کند

منبع: وال استریت ژورنال - کریک نیلسن، جیسیکا دوناتی، حبیب خان توتاخلیل برگردان: همایون یوسفی



مقامات آمریکا می‌ترسند که دونالد ترامپ در مورد جنگ ۱۷ساله‌ی افغانستان بی‌حوصله شود و سربازان را بدون رسیدن به یک راه‌حل از افغانستان بیرون کند. الیوت انگل نماینده‌ی ارشد دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان، اخیراً در یک جلسه‌ی در مورد افغانستان گفت: طالبان مدعی‌اند که کاملاً خود را از تروریسم بین‌المللی جدا خواهند کرد و به حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و حقوق زن احترام خواهند گذاشت. وقت آن است که ببینیم آن‌ها جدی هستند. روز دوشنبه ژنرال ارتش، جان وین نیکلسون، فرمانده ائتلاف بین‌المللی تحت رهبری آمریکا در افغانستان، بر انعطاف‌پذیری ایالات متحده در برابر هرگونه ابتکار عمل که به روند حل و فصل سیاسی جنگ کمک کند، تأکید کرد.

ادعاهای ملانصرالدینی یک رییس جمهور

گپ مردم



صلح قربانی بی‌تدبیری حکومت و شورای عالی صلح

در این شب‌وروزها بیشتر از هر زمان دیگر بر راه حل سیاسی جنگ افغانستان تأکید می‌شود. در سطح داخلی، رهبری حکومت و شورای عالی صلح که مسوولیت پیش‌برد گفت‌وگوهای صلح با مخالفان مسلح از جمله طالبان را به عهده دارد، خواهان گفت‌وگوی بی‌قید و شرط با طالبان و شبکه‌ی حقاتی اند. اعلام بسته‌ی پیش‌نهادی صلح از سوی غنی به طالبان در دومین دور نشست پروسه‌ی کابل، توقف حملات تهاجمی بر مواضع طالبان و در آخرین مورد اعلام آتش‌بس و تمديد آن، از بارزترین نشانه‌های تمایل بی‌حد و حصر حکومت برای آشتی با طالبان است. اشتیاق رهبری حکومت و شورای عالی صلح در امر مصالحه با طالبان باعث آن شد، که در روزهای عید سعید فطر جنگ‌جویان این گروه با حضور پررنگ در شهرها، قوت و توانایی نظامی و جنگی‌شان را به نمایش بگذارند و به جامعه‌ی جهانی نشان دهند، که طالبان هنوز هم به عنوان یک قدرت در افغانستان حضور دارند. حکومت اما از این بازی سود چندانی نبرد؛ بلکه هم‌چون اعلام بسته‌ی پیش‌نهادی صلح، از موضع ضعیف‌تری با طالبان برخورد کرد و در بازی تبلیغاتی در برابر این گروه، بازنده‌ی میدان بود.

در روزهای پس از ختم آتش‌بس، نیروهای طالبان بار دیگر به جبهه‌های شان بازگشتند و مثل گذشته از موضع به‌شدت خصمانه با حکومت برخورد کردند. افراد وابسته به این گروه در ولایات مختلف کشور با هجوم‌بردن به مواضع نیروهای ارتش، تلفات سنگین به این نیروها وارد کردند. در پاسخ اما حکومت به تلاش‌های آشتی‌جویانه‌ی ناکام‌اش ادامه داد و چشم امید به کنفرانس علمای سازمان همکاری کشورهای اسلامی که به میزبانی عربستان برگزار شده بود، بست. این وضعیت باعث شد، دونالد ترامپ، رییس‌جمهور امریکا به دیپلمات‌های ارشد این کشور دستور بدهد، تا برای ختم جنگ در افغانستان و مصالحه با طالبان، راه‌حل سیاسی جست‌وجو کنند. پس از چنین دستوری بود، که بحث به حاشیه‌رفتن حکومت افغانستان از روند گفت‌وگوهای صلح مطرح شد و این گمانه‌زنی تقویت یافت، که طرف‌های اصلی در افغانستان طالبان و امریکا اند، نه دولت افغانستان.

اکنون که مسئله‌ی گفت‌وگوی مستقیم امریکا با طالبان روی میز قرار دارد و طرح خروج کامل نظامی این کشور از افغانستان نیز مطرح شده است، حرف این است؛ که حکومت افغانستان برای ایفای نقش موثر در روند گفت‌وگوهای صلح و به‌دست‌گرفتن ابتکار عمل، چه برنامه‌ای را روی دست دارد؟ تا این دم به رغم تلاش‌ها و ادعاهای بسیار از سوی رهبری حکومت و شورای عالی صلح، در عمل اما این تلاش‌ها هیچ چشم‌انداز امیدبخش برای تأمین صلح در کشور نداشته است. دلیل چنین وضعیتی نیز واضح است؛ حکومت وحدت ملی و شورای عالی صلح از سه‌ونیم سال به این طرف آن‌قدر از صلح سبک‌سرانه با طالبان و گروه‌های دخیل در جنگ افغانستان سخن گفتند، که چشم‌انداز آینده‌ی صلح را بیشتر از پیش تیره و تار ساختند. در گذشته، طالبان و هیچ گروه دیگر تا این حد در سطح جهانی از سوی هیچ قدرتی جدی گرفته نمی‌شد، اکنون اما واقعیت این است؛ که سیاست‌های اشتباه و بی‌تدبیرانه‌ی حکومت، از پیش طالبان که به حیث یک گروه منزوی در جهان شناخته می‌شد، یک واقعیت و یک طرف ساخته است. حالا در بحبوحه‌ی آغاز مذاکرات مستقیم امریکا با طالبان، رهبری حکومت و شورای عالی صلح باید روشی را در پیش گیرد، که به عنوان دولت مسوول در تأمین صلح عادلانه و سراسری در کشور نقش درخورد دولت داشته باشد و پس از این هرگز با پروسه‌های بزرگ و حیاتی با کوتاه‌بینی و بی‌تدبیری برخورد نکند.

محمد اشرف غنی، رییس‌جمهور کشور چهارشنبه هفتگی گذشته (۲۷ سرطان)، در جریان سخنرانی‌اش در بیست و یکمین نشست بورد مشترک نظارت و انسجام که در ارگ ریاست‌جمهوری برگزار شده بود، ادعا کرد که از زمان آغاز کارش این هدف را داشته که روند انحصاری قدرت را از میان بردارد. او با تأکید بر این که به قدرت در افغانستان نباید به چشم انحصاری دیده شود، گفت؛ حداقل برای مدتی باید تقاضای انحصار قدرت کم شود. رییس حکومت وحدت ملی در حالی چنین ادعا می‌کند، که منتقدان‌اش او را به انحصارگرایی و تمامیت‌خواهی در قدرت متهم می‌کنند و ادعا دارند؛ که محمد اشرف غنی تمامی صلاحیت‌ها را در میز ریاست‌جمهوری قبضه کرده است. عمده‌ترین دلیلی که ساکنان ولایات شمالی کشور را به خیابان‌ها کشانده، همین مسئله است. معترضان بیشتر از هر چیزی دیگر آقای غنی را به قوم‌گرایی و انحصار قدرت متهم می‌کنند و خواهان بازگشت بی‌قید و شرط معاون اول ریاست‌جمهوری به افغانستان اند. ظاهر ادعای اخیر رییس‌جمهور در پاسخ به این اعتراضات صورت گرفته است. آقای غنی گفته؛ هدف‌اش این بوده که مسوولیت‌ها از سطح افراد به نهادها انتقال داده شوند. اکنون اما پرسش این است؛ آیا ادعاهای آقای غنی نزدیک به واقعیت است؟ یا نه تجربه‌ی سه‌ونیم سال حکومت‌داری او خلاف این ادعاها را ثابت کرده است؟

در خزان سال ۱۳۹۳، پس از کش و قوس‌های بسیار میان دو تیم رقیب در انتخابات، محمد اشرف غنی احمدزی کاندیدی تکت انتخاباتی تحول و تداوم، پای سندی امضا کرد؛ که بر اساس آن حکومت ائتلافی با سهم‌گیری دو رقیب انتخاباتی (غنی و عبدالله) و مبتنی بر تمرکز زدایی از نظام سیاسی تشکیل شد. در جریان کارزارهای انتخابات یکی از پر آب‌وتاب‌ترین شعارهای آقای غنی تبدیل کردن ارگ ریاست‌جمهوری از یک سیمت به یک نهاد قانون‌مند به هدف انحصارزدایی از قدرت بود. او بارها وعده داده بود که می‌کوشد تا با تعدیل قانون اساسی نهاد ریاست‌جمهوری سه‌معاون داشته باشد و این‌گونه صلاحیت‌ها تقسیم شود. در توافق

سیاسی که بر اساس آن حکومت وحدت ملی تشکیل شد، بر اصل تمرکز زدایی قدرت تأکید ویژه‌ای صورت گرفته و به این منظور بر تغییر سیمت ریاست‌اجرایی به نهاد نخست‌وزیری اجرایی توافق شده است. تجربه‌ای سه‌ونیم سال حکومت‌داری آقای غنی اما خلاف این وعده‌ها و توافقات کتبی و غیر کتبی را نشان می‌دهد. آقای غنی با تکیه‌زدن بر کرسی ریاست‌جمهوری نخست از همه با دور زدن عبدالله شریک حکومت‌اش بر تمامی مواد توافق‌نامه‌ی سیاسی پا گذاشت؛ او نه به اصلاح نظام انتخاباتی مبادرت ورزید و نه به برگزاری لویه جرگه‌ی قانون اساسی به منظور تعدیل این قانون و ایجاد نهاد نخست‌وزیر اجرایی در حکومت وحدت ملی تن داد. با گذشت هر روز از عمر حکومت او گام به گام به

قبضه‌کردن قدرت در ارگ ریاست‌جمهوری پرداخت و تلاش ورزید، دست شریک‌اش را از امکانات و صلاحیت‌ها کوتاه کند. گزارش‌های دقیق از ارگ ریاست‌جمهوری می‌رساند، که تصامیم در تمامی ریاست‌ها، معینیت‌ها، مشاوریت‌ها و بست‌های بالاتر و پایین‌تر از آن از سر میز ریاست‌جمهوری و با دخالت شخص رییس‌جمهور گرفته می‌شود. تعیینات اخیر در وزارت‌خانه‌های مالی، تکنولوژی و مخابرات، ترانسپورت و هوانوردی ملکی، زراعت و دیگر وزارت‌خانه‌ها و ریاست‌های مستقل نشان می‌دهد، که محمد اشرف غنی در استخدام‌های ادارات ملی تصمیم اول و آخر را می‌گیرد. در حالی که تمامی کارمندان ادارات ملکی باید از سوی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی و در مطابقت به قانون کارکنان خدمات ملکی تعیین شوند.

تغییرات اخیر در ادارات ملی نشان می‌دهد، که رییس‌جمهور غنی بیش‌تر از هر زمان دیگر روند متمرکزسازی قدرت را در میز ریاست‌جمهوری جدی گرفته است. او حلقه‌ای از نزدیک‌ترین افراد به خودش را ایجاد کرده و در کلیدی‌ترین وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی جابه‌جاء نموده، تا از این طریق تمام دستگاه حکومتی را از روی میزش اداره نماید. با وصف آن که در مدت‌زمان سه‌ونیم سال حاکمیت حکومت وحدت ملی بسیاری از افراد از کابینه‌ی دولت رانده شد و به اتهام‌های مختلف از قدرت خلع و در مواردی به دادستانی معرفی گردید، نزدیکان آقای غنی اما جذب حلقه‌ی قدرت شدند و در بالاترین پست‌های دولتی استخدام گردیدند. جالب این‌جاست که در هیچ موردی پای دردانه‌های

تغییرات اخیر در ادارات ملی نشان می‌دهد، که رییس‌جمهور غنی بیش‌تر از هر زمان دیگر روند متمرکزسازی قدرت را در میز ریاست‌جمهوری

جدی گرفته است. او حلقه‌ای از نزدیک‌ترین افراد به خودش را ایجاد کرده و در کلیدی‌ترین وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی جابه‌جاء نموده، تا از

این طریق تمام دستگاه حکومتی را از روی میزش اداره نماید. با وصف آن‌که در مدت‌زمان سه‌ونیم سال حاکمیت حکومت وحدت ملی بسیاری از

افراد از کابینه‌ی دولت رانده شد و به اتهام‌های مختلف از قدرت خلع و در مواردی به دادستانی معرفی گردید، نزدیکان آقای غنی اما جذب حلقه‌ی

قدرت شدند و در بالاترین پست‌های دولتی استخدام گردیدند. جالب این‌جاست که در هیچ موردی پای دردانه‌های رییس‌جمهور در اختلاص‌های مالی

دخیل دانسته نمی‌شوند. در حالی‌که در بیشتر پرونده‌های فساد اداری رد پای نزدیکان آقای غنی برجسته‌تر از دیگر مهره‌های دخیل در حکومت دیده

می‌شوند.

برگی از تاریخ

کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲.ش

"علت و محرک اصلی که محمد داوود را به کودتا علیه سلطنت واداشت، عمدتن کینه‌ای بود که نسبت به پادشاه داشت. حسادت‌های خانوادگی، جاه‌طلبی‌های شدیدی رسیدن به قدرت و ادعای وطن‌پرستی و خدمت به کشور، عوامل دیگری بودند که محمد داوود را در سقوط سلطنت و اعلام نظام جمهوریت تشویق و کمک نمود. آمادگی عده‌ای از افسران جوان و وطن‌پرست کشور نیز که از نظام سلطنتی به ستوه آمده بودند و خواستار به‌وجود آمدن نظام جمهوری در کشور بودند، محمد داود را در به راه انداختن کودتا یاری کردند. قطعات و قوت‌های که در کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ نقش عمده و اساسی را در سرنگونی سلطنت بازی نمودند، عبارت بودند از:

قطعه‌ی کوماندوی ۴۴۴ بالااحصار به رهبری تورن فیض‌محمد، تورن هدایت‌الله، تورن محمدهاشم خوستی و قطعه‌ی پراشوت به رهبری تورن سلطان محمد خُدران.

تولی تانک گارد شاهی به رهبری حبیب‌الله زرمتی که ۱۰ چین تانک در اختیار داشت.

قوای چهار زره‌دار واقع پل‌چرخی به رهبری محمدسرور نورستانی، محمد اسلم وطن‌جار، محمد رفیع و محمد اکبرزرمتی. قوای ۱۵ زره‌دار واقع پل‌چرخی به رهبری محمدیوسف و مولاداد، قطعه‌ی انضباط به رهبری احمدضیا مجید، محمدنبی عظیمی و عبدالستار.

قوای هوایی نقش مهم را در کودتا بازی نمودند؛ لذا نقش افسران قوای هوایی و مدافع هوایی به رهبری عبدالحمید محتاط، پاچاگل وفادار، عبدالقادر و دیگر رفقای شان در موفقیت و سازمان‌دهی کودتا بسیار با اهمیت و عمده بود. چنان‌چه عده‌ای زیادی از افسران قوای هوایی و دیگر افسران و نظامیان قطعات اردو توسط آن‌ها برای انجام کودتا جذب شده بود، که سهم فعال در کودتا گرفتند؛ اما چنان‌چه در جریان کودتا معلوم شد، قوت‌های هوایی سهم بارز در عملیات نداشتند. صرف بعد از موفقیت کودتا، یک عده پیلوت‌های این قوا پروازهای نمایشی بالای شهر کابل و بعضی قطعات نظامی انجام دادند.

اهداف عمده‌ی کودتاچیان در گام نخست عبارت بود از:

اشغال ارگ شاهی و خلع سلاح قطعه‌ی گارد شاهی، تحت کنترل گرفتن دستگاه مرکزی تلفن و رادیو افغانستان، دست‌گیری جنرال عبدالولی قوماندان قوای مرکزی، وزیر دفاع و سایر قوماندان‌های فرقه‌ها و قطعات زمینی و هوایی واقع در مرکز.

اعلام نظام جمهوریت توسط محمد داوود و عکس‌العمل‌های متفاوت در مقابل آن

سقوط سلطنت و به وجود آمدن نظام جمهوری ساعت ۷ و ۱۵ دقیقه صبح سرطان ۱۳۵۲ توسط محمد داود از طریق رادیو افغانستان به طور غیر مترقبه اعلام گردید. این حادثه‌ی تاریخی نه تنها مردم افغانستان و گروه‌های مختلف سیاسی را به حیرت انداخت؛ بلکه عکس‌العمل‌های جهانی را نیز در قبال خود به وجود آورد؛ زیرا بنابر تسلط نظام شاهی و مدعیان حفظ این نظام، تغییر نظام و وقوع کودتا را ناممکن می‌دانستند.

تغییر رژیم در اولین فرصت با استقبال بخش کثیر مردم بنابر پوسیدگی و ناتوانی رژیم شاهی، عدم کارایی حکومت‌های پی در پی غیر حزبی که از پشتیبانی مردم در دهه‌ی دموکراسی برخوردار نبودند، مواجه گردید. در برابر کودتاچیان اصلن مقاومت مسلحانه از جانب قوای مسلح و مدافعان سلطنت صورت نگرفت. در نتیجه، کودتا تقریبن بدون خون‌ریزی موفق گردید. این کودتا عمدتن به اشتراک و کمک افسران و قطعاتی که در فوق از آن‌ها ذکر به عمل آمد به موفقیت رسید. بعد از اعلام نظام جمهوریت توسط محمد داوود، به‌زودی تمام قطعات نظامی، والی‌ها و قوماندان‌های امنیه‌ی ولایات تلگرام‌ها و پیام‌های وفاداری خود را عنوانی محمد داوود ارسال نمودند. اهالی پایتخت از همان لحظات اول با شور و شعف به جاده‌ها ریختند و از کودتاچیان به گرمی استقبال نمودند."

منبع: از پادشاهی مطلقه الی سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان، عبدالوکیل، انتشارات عازم، چاپ دوم ۱۳۹۶، صص

۱۳۵-۱۳۸

شهروندان به خاطر دست‌رسی و نفوذ در حوزه‌ی سیاست می‌بایست در ساختارهای حزبی شامل شده و با مجموعه‌های سیاسی به دنبال اهداف مشترک در حرکت شوند. احزاب سیاسی در نهادهای دموکراتیک مهم‌ترین رکن قدت سیاسی را تشکیل می‌دهند. رجوع به آرای احزاب در قضایای کلان و سیاست‌گذاری‌های ملی از اولویت‌های حکومت بوده و دفاع از حقوق مردم وابسته به نوع نگاه سیاسی و ارزشی در مورد احزاب می‌باشد.

هم‌چنین قانون احزاب سیاسی افغانستان در ماده‌ی پنجم پیرامون حقوق و وجایب احزاب چنین می‌نگارد؛ «احزاب سیاسی مطابق احکام این قانون به صورت آزادانه فعالیت نموده و در برابر قانون دارای حقوق و وجایب یک‌سان می‌باشد». آن‌چه از متن این ماده به دست می‌آید، این است که احزاب سیاسی در افغانستان می‌تواند به صورت آزادانه و بدون دخالت نیروهای فشار به اهداف و برنامه‌های شان در مطابقت با قانون بپردازند. از این بیان قانون با صراحت تمام استنباط می‌گردد که دولت در مراحل مختلف و تحت شرایط گوناون حق دخالت در سازمان‌های سیاسی و احزاب را نداشته و به هیچ وجه نمی‌تواند در موضع‌گیری‌ها، اهداف، برنامه‌ها و عملکردهای این نهادها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دخالت نماید. زیرا بر بنیاد این ماده احزاب مطابق قانون ایجاد می‌گردد و نماینده‌ی توده‌ی عادی جامعه در مناسبات و چانه‌زنی‌های سیاسی می‌باشد. از طرفی این ماده تأکید می‌کند که احزاب سیاسی بدون در نظرداشت موقعیت‌های سیاسی و تیمی شان در یک سطح موازی و با امتیازات برابر حق فعالیت داشته و هیچ حزبی نسبت به احزاب دیگر از اولویت و حق تقدم برخوردار نیست. البته از بیان مخالف این ماده نیز به دست می‌آید، که هر سازمان سیاسی یا احزاب به طور عموم زمانی می‌توانند شایستگی و رهبری توده‌های عادی را با خود داشته باشند، که اولن بر اساس یک استراتژی مشخص حرکت نمایند و اهداف شان را در چارچوب آن سازمان‌دهی نمایند. دومن از حمایت‌های مردمی گسترده برخوردار بوده و در هماهنگی با مردم و نهادهای مردمی به گرفتن حقوق سیاسی شان اقدام نمایند.

با توجه به موارد قانونی، در هیچ صورت دولت و نهادهای دولتی حق ندارد، به احزاب و شخصیت‌های حزبی بی‌حرمتی نموده و از دادن حقوق آنان خود داری نماید.

سکتورهای دولتی افغانستان تأکید نمودند. اما از متن این هیاهو آن‌چه مهم‌ترین مسله برای انسان افغانی در شرایط حساس کنونی که کشور در اوج بحران‌های عقب‌گرایانه و خشم‌مآبانه تروریستی می‌سوزد مطرح است، این است که آیا واقعن به گفته‌ی رییس‌جمهور، احزاب و نهادهای سیاسی در ساختارهای کلان ملی و در تعیین خطوط اساسی سیاست دولتی در افغانستان نقش حقوقی و قانونی ندارند؟

برای بررسی جایگاه حقوقی احزاب در ساختار سیاسی دولت افغانستان، لازم است با اتکاُ به قانون احزاب سیاسی، نقش احزاب در سکتورهای دولتی مورد کاوش حقوقی و قانونی قرار گیرد.

قانون احزاب سیاسی افغانستان در ماده‌ی سوم چنین مقرر می‌دارد؛ «اساس سیستم سیاسی در افغانستان مبتنی بر دموکراسی و تعدد احزاب سیاسی می‌باشد». با فهم حقوقی از این ماده می‌توان به دو موضوع اساسی اشاره کرد. نخستین برداشتی که می‌توان از این ماده نمود، این است که نظام سیاسی در افغانستان بر گرفته از ساختار سیاسی و الگوهای رایج دموکراسی در جهان بوده و تمامی مناسبات سیاست و قدرت بر بنیاد این ساختار طرح و قابل اجرا می‌باشد. یعنی هرگونه برخورد سطحی، فرد محور، خشن و همراه با اغراض شخصی و تیمی در مناسبات کلان ملی، ممنوع بوده و هیچ کسی حق ندارد، اندیشه و تراوش‌های فکری‌اش را در هر سطحی بر دیگران تحمیل نمایند، زیرا اندیشه‌ی برخواسته از بسترهای دموکراتیک حاوی هم‌پذیری مسالمت‌آمیز و چرخش قدرت به صورت نمایندگی بوده و خشونت‌های فردی در آن محل از اعراب ندارد. هم‌چنین نظام دموکراسی با تأکید بر رأی اکثریت و احترام به حقوق اقلیت این اجازه را به همه‌ی شهروندان کشور می‌دهد، تا از حقوق فردی و سیاسی شان در سطوح مختلف از چانه‌زنی‌های ملی دفاع نموده و حق ابراز نظر و بیان عقیده را داشته باشند.

نکته‌ی دوم که از این ماده به دست می‌آید، این است که احزاب سیاسی به عنوان نهادهای تمثیل‌کننده و تمرین‌کننده‌ی ساختارهای دموکراتیک در نظام حقوقی سیاسی افغانستان به رسمیت شناخته شده و جایگاه مشخص حقوقی دارند. احزاب سیاسی در ساختارهای دموکراتیک برخواسته از توده‌های عوام مردمی بوده، که توان تحلیل قضایا و مناسبات کلان سیاسی را ندارند.

افغانستان طرح آتش‌بس جدید را در پیشنهاد به‌راه...

مقامات امیدوار است که آتش‌بس دوم تأثیر موفقیت‌آمیز برای آغاز مذاکرات داشته باشد.

در ماه‌های اخیر، تسهیل‌کنندگان به دوحه رفته‌اند، جایی که دفتر سیاسی طالبان موقعیت دارد و در تلاش‌اند تا چارچوب مذاکراتی را ایجاد کند که برای هر سه طرف قابل قبول باشد. بحث‌های غیر رسمی شامل مقامات امریکا و اروپا و دیگر سازمان‌های که در طول سال‌ها با طالبان در ارتباط قرار داشتند که با این روند آشنا بودند، در جریان است. هارون چخانسوری، سخن‌گوی ریاست‌جمهوری افغانستان، تصریح کرد: دولت قصد دارد آتش‌بس را اعلام کند و ما امیدواریم که پاسخ مثبتی از طالبان دریافت کنیم. ما امیدواریم این آتش‌بس منجر به صلح پایدار شود. طالبان می‌گویند هر نظر در مورد آتش‌بس و یا صلح در زمان عید قربان در روزهای ۲۱ تا ۲۳ اگوست، قبل از موعد است. ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی طالبان گفت: هرگونه تصمیم در مورد آتش‌بس را رهبری امارت اسلامی خواهد گرفت و ما آن را تعقیب خواهیم کرد.

رییس‌جمهور گفت؛ طرح احزاب سیاسی و نهادهای مدنی حامی آن‌ها، در شرایط کنونی امکان عملی شدن نداشته، بلکه در حد یک شعار سیاسی برای جلب حمایت‌ها و ظرفیت‌های سیاسی_دپلماتیک در افغانستان می‌باشد. هم‌چنین رییس‌جمهور با انتقاد تند از موضع‌گیری‌های به گفته‌ی او فاقد سرشت ملی و در تضاد با دستاوردهای دو دهه‌ی اخیر احزاب سیاسی، آنان را متهم به نداشتن پشتوانه‌ی مردمی کرد. در بخش از صحبت‌های رییس‌جمهور غنی آمده است: "احزاب سیاسی نمایندگان واقعی مردم نیست و اصلن که آن‌ها را به عنوان نماینده تعیین نموده است".

هم‌چنین در جای دیگری از صحبت‌های رییس‌جمهور غنی، ایشان با کمال جرئت و شجاعت بیان داشت: "من با رأی مردم به این‌جا رسیده‌ام و رییس‌جمهور منتخب مردم افغانستان می‌باشم". رییس‌جمهور غنی با این گفته‌هایش در تلاش بود، تا رقبای سیاسی خارج از ارگ ریاست‌جمهوری را متوجه نمایند، که مقام به‌دست آمده‌ی او محصول تلاش‌های سیاسی‌اش در سطوح مختلف گفت‌وگوهای ملی و نیز شناخت بنیادین از بسترهای اجتماعی_فرهنگی جامعه‌ی افغانستان بوده و این موقعیت به گفته‌ی او هدیه‌ی سیاسی از جانب سران جهادی سیاسی نیست. این صحبت‌های بدون پرده یا به تعبیری ادبیات سیاسی؛ صحبت‌های رئالیستی رییس‌جمهور خشم سران احزاب سیاسی و برخی شبکه‌های مدنی_سازمانی را در کشور بر انگیخت. این نهادها، با رد این ادعا که رییس‌جمهور با رأی پاک مردم افغانستا به کرسی ریاست‌جمهوری نرسیده، بلکه با همکاری حلقات مشخصی در درون نظام و برخی حامیان جان برکف دفاع از توری پشتونیزم به این مقام دست یافته است، از مردم و نهادهای حامی شان خواستار واقع‌بینی و برخورد واقعی با قضایای مهم ملی شدند.

این گفته‌های رییس‌جمهور در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای داشت. برخی با انتقاد از این صحبت‌ها، رییس‌جمهور را شخص دیکتاتور قرن معرفی نموده و خواستار استعفای او شدند. اما برخی دیگر با حمایت از گفته‌های رییس‌جمهور، او را تئورپسن دنیای سیاست در افغانستان خوانده و به نقش علمی و موثر او در نهادسازی

ژنرال نیکلسون با اشاره به تغییر در استراتژی که مایک پمپئو وزیر امور خارجه، پس از آتش‌بس در ماه ژوین اعلام کرد، در شهر قندهار گفت؛ که ایالات متحده آماده‌ی مذاکره با طالبان در مورد نقش نیروهای بین‌المللی در این کشور است.

دوشنبه گذشته، فرمانده گفت که هیچ‌گونه مذاکره بین امریکا و طالبان با هزینه‌ی حذف حکومت افغانستان صورت نمی‌گیرد. او افزود، امریکا نمی‌تواند جای‌گزین دولت و یا مردم افغانستان شود. آتش‌بس در ماه ژوین پس از آن به پایان رسید که طالبان بعد از تعطیلی عید خواستار ادامه‌ی مبارزه شدند. در جریان آتش‌بس جنگ‌جویان هر دو طرف در شهرها و روستاها و در سراسر کشور همدیگر را به طور آشکار به آغوش گرفتند و تصاویر آن به طور گسترده در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شد. طعم تند و تیز از صلح در کشوری که نزدیک به چهار دهه از درگیری‌های بی‌وقفه رنج می‌برد (به‌روشنی مشاهده شد).

• تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

• "صدای مردم افغانستان"، از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس‌بوک: هفته نامه صدای مردم افغانستان

آدرس دفتر: کابل، کارته - ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

سال پنجم، یکشنبه، ۳۱ سرطان ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۲۲ جولای ۲۰۱۸ میلادی

شماره‌ی ۱۸۹

نقد اجتماعی

ارگ در دو راهی ناگزیری؛ تمکین یا سرکوب

جلیل تجلیل

از اعتراض شهروندان در ولایات شمالی کشور بیش از بیست روز می‌گذرد، اما حکومت تاکنون با بی‌تفاوتی تمام با معترضین برخورد کرده و انتظار این را می‌کشد، که معترضین خسته شده و به خانه‌هایشان برگردند، اما اکنون اعتراض از فاز اول خارج و به مرحله جدی و تازه‌تر به پیش می‌رود.

معترضین تاکنون دو بندر تجارتي را در شمال بسته و گفته می‌شود، که قرار است شیرخان بندر را نیز مسدود کنند. راه‌های مواصلاتی در ولایات شمالی بسته و دروازه‌ها ادارات دولتی در ولایت جوزجان نیز بطور کامل بسته می‌باشد. در روزهای نخستین اعتراض بخش از ساختمان ولایت فاریاب به آتش کشیده شد و با گسترش دامنه‌ی اعتراض به سایر ولایات از جمله مزارشريف، عکس ریس جمهور از دروازه وردی شهر پایین انداخته شده و به آتش کشیده شد.

ظاهراً که با گذشت هر روز دامنه اعتراضات گسترده شده و معترضین خشن‌تر می‌شوند. هفته‌ی گذشته، معترضین در برابر دروازه وردی ولایت تخار با برای خیمه تحصن دروازه این ولایت را نیز بستند. معترضین از گسترش دامنه اعتراضات خبر داده و گفته است که به زودی اعتراض شان به بستن دروازه‌های ادارات دولتی به سایر ولایات ادامه پیدا می‌کند. در همین حال معترضین به حکومت مرکزی کابل هشدار داده است، که اگر به خواست معترضین که همانا بازگشت جنرال دوستم و رهایی قیصری می‌باشد، توجه نشود، برق وارداتی را که از شمال به کابل انتقال یافته را نیز قطع می‌کند.

این اعتراضات پس از آن فراگیر و گسترده‌تر می‌شود که ائتلاف نجات افغانستان که متشکل از حزب جنبش ملی، حزب جمعیت اسلامی و حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان می‌باشد، در آخرین موضعش گفته است، که جنرال دوستم را بر می‌گرداند. این ائتلاف طی نامه‌ی سرگشاده به سران کشورهای ناتو از مطلق‌العدالتی در حکومت کابل سخن گفته و اشرف غنی را متهم به تحمیل حلقه‌ی خاص قومی بر سایر اقوام کرده‌است. در بخش از این نامه چنین آمده بود: "متأسفانه، حلقات معین در حکومت مطلق‌العدالت مرکزی و در راس آنان داکتر محمدشرف غنی، طی سال‌های اخیر همه مساعی شان را در راستای تحمیل حاکمیت یک حلقه‌ی خاص قومی بر سایر اقوام به خرج داده‌اند و وضعیت بحرانی جاری در افغانستان یکبار دیگر خاطرات تلخ تاریخ گذشته را در آذهان مردم ما تازه نموده است."

در تازه‌ترین موردی گفته می‌شود، که ائتلاف دیگر متشکل از محمد محقق، جنرال دوستم، عطامحمدنور، صلاح‌الدین ربانی، انوار الحق احدی، امیر اسماعیل خان، رحمت الله نبیل، احمد ضیاء مسعود، جنرال رازق، حضرت علی، همایون همایون و ظاهر قدیر می‌باشد، اعلان موجودیت می‌کند.

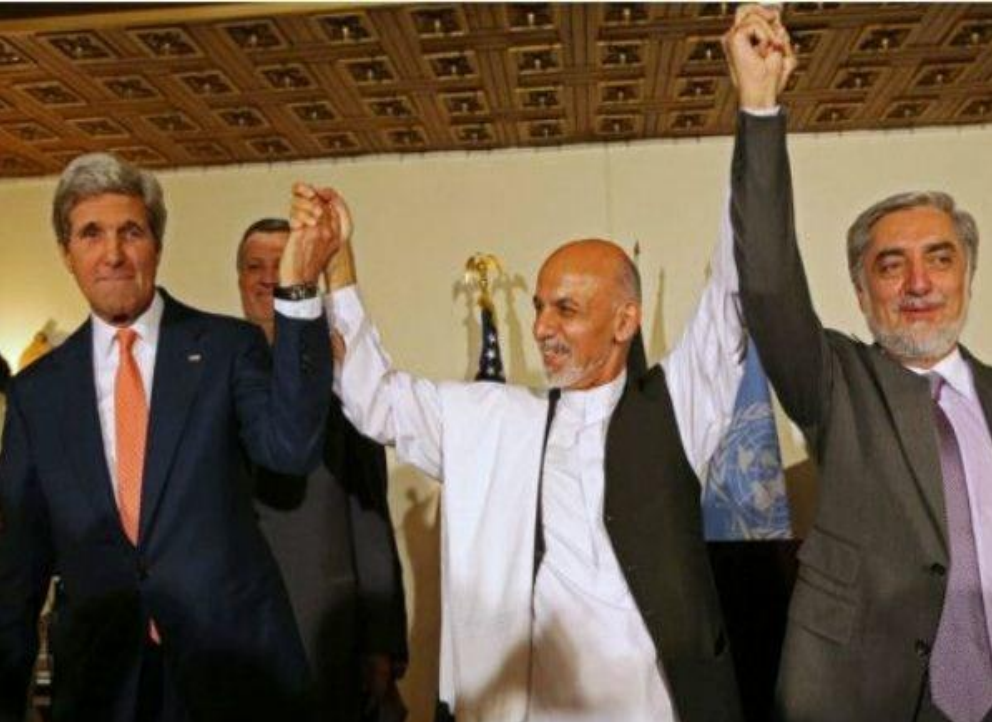
باین حال می‌توان گفت که وضعیت به سمت یک آینده ناخوشایند و نامعلوم به پیش می‌رود. تداوم این وضعیت در حساس‌ترین موقعیت زمانی که همراه است با برگزاری انتخابات پارلمانی نه تنها که حکومت را با یک چالش کلان مشروعیت مواجه می‌سازد، بلکه از لحاظ اقتصادی نیز به سرآشوب سقوط به پیش می‌برد.

اکنون توب در میدان ارگ ریاست‌جمهوری است، که ابتکار عمل را در دست بگیرد و از اقدامات پرخاشگرانه و حساسیت‌برانگیزش که از سوی معترضین به نفاق قومی تعبیر می‌شود، دست بردارد. در غیر آن صورت درگیر شدن با تمام این مشکلات با در نظر داشت حساسیت‌های که از سوی حکومت در طول چند سال گذشته خلق شده، چالش‌های جدی را فرا روی حکومت قرار می‌دهد.



عزل و نصب حاکمان افغانی؛ از مکناتن تا جان کری

روستایی



رییس حکومت وحدت ملی هفته‌ی گذشته، روزهای دشواری را پشت سر گذاشت. او در جریان آن روزها به گونه‌ی رقت‌بار چندین بار بیانیه داد و از آدرس ارگ اعلامیه صادر کرد؛ اما در جریان بیاناتش، بار بار بر مخالفان سیاسی‌اش که وی از روی شانه‌های آنان به این جایگاه و موقعیت رسیده، تاخته و حتا گه‌گاهی به طور ناشیانه، هیجانی گردیده و همانند یک بیمار روانی هزیان گفت. در جریان هفته او اولین بار به اعلامیه‌ی احزاب و جریان‌های سیاسی، که خواهان لغو توزیع تذکره‌های کاغذی و برجسپ ستیکر بودند، واکنش هیجانی نشان داده و گفت: "این سیاسیون که استند، که به‌نماینده‌ی مردم سخن می‌گویند؟ این‌ها را که انتخاب کرده‌است؟ چند فیصد رای آورده‌اند؟ چه وقت مردم به این‌ها واک و اختیار داده که از مردم نمایندگی نمایند؟"

او از آن‌جایی که پس از آن تقلب رسوا، از زخم عذاب وجدان رنج می‌برد و لحظاتی را که جان کری، همانند مکناتن او را بر اریکه‌ی قدرت نصب می‌کرد، از ذهن صدمه‌دیده‌اش فراموش نمی‌تواند و هر لحظه همانند کابوس او را همراهی می‌نماید، در صدد می‌شود، از خود دفاع نموده و می‌خواهد ذهن این ملت بیدار را به نفع افکار بیمارش سمت و سو دهد. از آن سبب بدون آن که نیازی بوده باشد، به طور ناشیانه همانند بیماری که به مرض صرع دچار باشد و هر لحظه دست و پا بزند، با ادا و اطوار غیرطبیعی از روال معمول صحبت خارج گردیده و با فشار صدا از حلقومش داد می‌زند: "من رییس‌جمهور افغانستان هستم، به رای مردم افغانستان در این جا نشسته‌ام. نه زور داشتم و نه زر، از برکت مغزم در این‌جا آمده‌ام." رسم زمامداران افغانی در دفاع از قدرتش مدام بدین گونه بوده، اگر مردم او را انتخاب نکرده باشد، او از آدرس خداوند، وارد گردیده و خود را ظل‌الله خوانده است، اگر او را انگلیس یا روس و پاکستان و ایران و یا امریکا انتخاب کرده باشد، آن گونه انتخاب بد نام را پوشش اعتقادی داده و زیر سایه‌ی انترناسیونالیزم پروتتری و یا پان‌اسلامیزم جهانی و یا دموکراسی خزیده و برای زمامداری‌اش رنگ دینی و یا ایدیولوژیک سیاسی داده است. عبدالوکیل وزیر خارجه‌ی حکومت نجیب در خاطراتش می‌نویسد، که ببرک کارمل تا نمرده بود، از اعزامش توسط بریژنف در کابل رنج می‌برد و این رنج همانند سایه او را تا بستر مرگ تعقیب کرد.

هدف از این مقایسه، حمایه از مخالفان اشرف غنی نیست. مخالفان او نیز در این امر با او هم‌رنگ بوده و آنان به گونه‌ی دیگر از این بیماری رنج برده و خود را در پیشگاه تاریخ آینده و امروز افغانستان بهتر از او سر بلند نمی‌دانند. او برای دفاعش توجیه می‌کند، که ملل متحد گفته بود؛ برای انتخابات ۴،۲ میلیون رای کافی است. حال دو برابر شده است. چرا مخالفان این نام‌نویسی را نمی‌پذیرد، دروغ، فریب و ریاکاری شیوه‌ی طبیعی عمل‌کرد زمامداران خودکامه و تقلب‌کار است. تقلب‌کاران هرگز نمی‌پذیرند، که خود با تقلب آمده و حال نیز کمیسیون انتخابات همکارش با تقلب میلیون‌ها تذکره‌ی جعلی، می‌خواهد ریشه‌ی دموکراسی نیم‌بند کنونی را از زمین کشیده و قوه‌ی مقننه را که از این پیش نیز چندان روی سپیدی نداشت، سیاه‌تر از پیش با تقلب و تزویر برای توجیه اعمالش از نو بازسازی نماید.

از آن سبب با وضعیت دشوار روانی خطاب به مردم افغانستان، که او هرگز با تقلب و جعل میلیون‌ها تذکره جلو اراده‌ی واقعی آنان را سد نکرده می‌گوید: "به میدان انتخابات بیایید، از کدام آزادی جلوگیری شده است؟ جلو که گرفته شده است؟"

استفاده از زور و خشونت برای حذف مخالفان، شیوه‌ی معمول زمامداران مستبد افغانی است. پس از آن، توجیه و تاویل خشونت

استفاده از زور و خشونت برای حذف مخالفان، شیوه‌ی معمول زمامداران مستبد افغانی است.

پس از آن، توجیه و تاویل خشونت راه و روش دیگری است، که زمامداران خودکامه‌ی افغانی

مدام به آن توسل جسته است. زمانی که تصاویر ویدیویی نقاب از چهره‌ی برخورد ضد انسانی

قطعات مامور برای گرفتاری قیصری برداشت، او در وضعیت نهایت دشواری گرفتار بود، از

یک طرف توده‌های عدالت‌خواه، که روزی فریب او را خورده و به او رای داده بودند، با پایین

کشیدن تصاویرش او را به زمین می‌زدند و از جانب دیگر حامیان خارجی‌اش، که غرض مبارزه

با تروریزم این قطعات را تمویل کرده بود، او را فشار می‌داد، که روی چه منظور این قطعات بر

ضد اهدافی استعمال می‌شود، که آن آدرس‌ها، جز مبارزه با تروریزم و همکاری با نظام،

کوچک‌ترین خللی در حرکت چرخه‌ی حکومت وحدت ملی از خود به‌جا نگذاشته‌اند.

راه و روش دیگری است، که زمامداران خودکامه‌ی افغانی مدام به آن توسل جسته است. زمانی که تصاویر ویدیویی نقاب از چهره‌ی برخورد ضد انسانی قطعات مامور برای گرفتاری قیصری برداشت، او در وضعیت نهایت دشواری گرفتار بود، از یک طرف توده‌های عدالت‌خواه، که روزی فریب او را خورده و به او رای داده بودند، با پایین کشیدن تصاویرش او را به زمین می‌زدند و از جانب دیگر حامیان خارجی‌اش، که غرض مبارزه با تروریزم این قطعات را تمویل کرده بود، او را فشار می‌داد، که روی چه منظور این قطعات بر ضد اهدافی استعمال می‌شود، که آن آدرس‌ها، جز مبارزه با تروریزم و همکاری با نظام، کوچک‌ترین خللی در حرکت چرخه‌ی حکومت وحدت ملی از خود به‌جا نگذاشته‌اند. از آن سبب در دنیای بیچارگی او برای توجیه اعمالش، که خود دستور داده ناچار می‌شود در اعتراف به نقض عریان حقوق شهروندان کشورش بگوید، که کشتن افراد ملکی در ننگرها و برخورد خشونت‌بار (با قیصری و همراهانش) را نمی‌پذیرد.

فشار اعتراض در شمال و هماهنگی در جنوب و مرکز با معترضین، که او را سخت زمین‌گیر و بیچاره کرده است، در رفتار و کردار روزمره‌اش نهایت تاثیر داشته و در این روزها از وی به گونه‌ی فرد بی‌چاره و درمانده در صفحات مجازی و رسانه‌های تصویری و چاپی شخصیت غیر نورمال را نقش تاریخ نموده است. نگاهش در جریان صحبت و حرکات فزیک‌اش رقت‌آور بوده و علایم روشن از زخم عمیق می‌دهد، که روان این مرد با آن مصاب گردیده است.

این رنج اغلب از آن‌جا ناشی می‌شود، که اقدامات تمامیت‌خواهانه و استبدادی‌اش، هر بار با واکنش جمعی مردم آزاده‌ی افغانستان مواجه گردیده و او را ناگزیر به تسلیم و یا انعطاف ساخته است. تسلیم به مطالبات مردم که در قاموس زندگی او کوچک‌ترین جایگاه نداشت، در این روزها تأثیرگذارتر از زمان دیگر می‌شود، رهایی یاران قیصری از زندان و تسلیم به اعتراضات مردم در شمال و سکوت در برابر بسته‌بودن مراکز چندین ولایت در شمال و روشن‌تر از همه ورود بار دیگر دوستم در صحنه‌ی سیاست همه حاکی از این خبر است، که استبداد در این عصر و زمانه دیگر جایگاه نداشته و سیاست حذف و توطئه دیگر زمانش گذشته است.